



## نقش هوش مصنوعی در رمانتیسیم توسعه: کشورهای شورای همکاری خلیج فارس

دکتر پرهام پور رمضان<sup>۱</sup>

This is an open access article under the CC BY license (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).

### چکیده

ظهور و گسترش هوش مصنوعی، ابعاد نوینی از توسعه را پیش روی دولت‌ها قرار داده است. در کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس، این فناوری نه تنها به عنوان ابزاری برای ارتقاء بهره‌وری اقتصادی و کارآمدی نهادی مورد توجه قرار گرفته، بلکه به مثابه عنصری نمادین در بازنمایی آینده‌گرایی، مدرنیته و رمانتیسیم توسعه نیز ایفای نقش می‌کند. مسئله اصلی این پژوهش آن است که هوش مصنوعی در این کشورها صرفاً به عنوان فناوری کاربردی تلقی نمی‌شود، بلکه به گفتمانی هویتی، مشروعیت‌ساز و فرهنگی بدل شده است که مشروعیت سیاسی و چشم‌اندازهای توسعه‌ای را تقویت می‌کند. حال با توجه به موارد مذکور می‌توان پرسش پژوهش را: «هوش مصنوعی چگونه در کشورهای شورای همکاری خلیج فارس به ابزاری برای بازنمایی رمانتیسیم توسعه و ایجاد تصویری ایده‌آل از آینده پیش رو بدل شده است؟» در نظر گرفت، همچنین فرضیه پژوهش این است که: بهره‌گیری از هوش مصنوعی در این کشورها علاوه بر نتایج اقتصادی و فناورانه، کارکردی فزاینده و نمادین در القاء روایت پیشرفت و آرمان‌های توسعه‌گرایانه دارد. بررسی اسناد سیاستی، گفتمان‌های رسمی و پروژه‌های فناورانه نشان می‌دهد که هوش مصنوعی نه تنها موتور محرک در حوزه‌هایی چون انرژی، آموزش و بهداشت محسوب می‌شود، بلکه نقشی مهم در ساخت هویت توسعه‌ای و تقویت سرمایه نمادین دولت‌ها ایفا می‌کند. نتیجه آنکه، هوش مصنوعی در فضای خلیج فارس، بیش از یک فناوری، به یک استعاره توسعه‌ای و ابزاری برای مشروعیت‌بخشی به چشم‌اندازهای

<sup>۱</sup> دانش‌آموخته دکتری علوم سیاسی دانشگاه تهران، پژوهشگر گروه کشمکش و همکاری در مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه، تهران، ایران. نویسنده مسئول. ایمیل:

آینده‌محور تبدیل شده است. در پایان این پژوهش قابل درک است که هوش مصنوعی در کشورهای شورای همکاری خلیج فارس به مثابه پلی میان فناوری، سیاست و فرهنگ بازتعریف می‌شود.

کلید واژگان: هوش مصنوعی، رمانتیسم توسعه، مشروعیت سیاسی، شورای همکاری خلیج فارس.

## مقدمه

در سال های اخیر، هوش مصنوعی به یکی از قدرتمندترین فناوری‌های دگرگون‌ساز جهان تبدیل شده است. این فناوری نه تنها بنیان‌های اقتصادی و صنعتی را متحول می‌کند، بلکه در عرصه فرهنگ و گفتمان عمومی نیز بر درک ما از «توسعه» تأثیر می‌گذارد. در بسیاری از کشورها، هوش مصنوعی نماد پیشرفت و نوگرایی قلمداد می‌شود و این نگاه، بخشی از جریانی است که در نظریه‌های توسعه از آن به «رمانتیسم توسعه» یاد می‌کنند؛ رمانتیسم توسعه در واقع نگاهی آرمان‌گرایانه و خیال‌پردازانه به آینده است که در سیاست‌گذاری‌ها نمود پیدا می‌کند.

کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس<sup>۱</sup> نمونه‌ای بارز از دولت‌هایی هستند که از فناوری‌های نوین برای بازتعریف مسیر توسعه و هویت ملی خود بهره می‌برند. این کشورها با تکیه بر درآمدهای نفتی و برنامه‌های کلان ملی، در پی ساختن آینده‌ای مبتنی بر اقتصاد دانش‌بنیان هستند. در این مسیر، هوش مصنوعی تنها یک ابزار فنی نیست، بلکه به عاملی اساسی در خلق روایتی جذاب و بلندپروازانه از آینده تبدیل شده است. همین پیوند میان فناوری و تصویرسازی آینده، مفهوم رمانتیسم توسعه را آشکار می‌سازد.

<sup>۱</sup> - GCC

رمانتیسیم توسعه در علوم اجتماعی به اشتیاقی آرمانی نسبت به پروژه‌های توسعه اشاره دارد؛ اشتیاقی که گاه فراتر از توان نهادی و واقعیت‌های موجود حرکت می‌کند و بیشتر بر تخیل و تصویرپردازی از آینده استوار است تا بر اقدامات عملی. در کشورهای حاشیه خلیج فارس، مفاهیمی مانند «شهرهای هوشمند»<sup>۱</sup>، «اقتصاد دیجیتال»<sup>۲</sup>، «هوش مصنوعی فراگیر»<sup>۳</sup> و «رباتیک پیشرفته»<sup>۴</sup> بخشی از این «داستان آینده» به شمار می‌روند؛ داستانی که دولت‌ها از آن برای جلب مشارکت اجتماعی، افزایش مقبولیت و نمایش توانمندی در عرصه جهانی استفاده می‌کنند.

برای بررسی نقش هوش مصنوعی در این رمانتیسیم توسعه، باید دو جنبه را در نظر گرفت؛ نخست نقش «ابزاری» هوش مصنوعی، که در آن هوش مصنوعی به عنوان محرک رشد اقتصادی، بهره‌وری و نوآوری عمل می‌کند؛ و دوم نقش «نمادین» آن، که در آن هوش مصنوعی حامل معنا و چشم‌انداز می‌شود. این دو جنبه در کشورهای شورای همکاری خلیج فارس در هم تنیده شده‌اند و باعث می‌شوند هوش مصنوعی هم‌زمان کارکردی عملی و گفتمانی داشته باشد. در واقع، در این کشورها هوش مصنوعی تنها یک فناوری نیست، بلکه نیرویی فرهنگی و سیاسی نیز محسوب می‌شود.

این کشورها برای گذار از اقتصاد متکی به نفت به اقتصادی متنوع، به ابزارهایی نیاز دارند که هم توانایی دگرگونی ساختار اقتصادی را داشته باشند و هم آینده‌ای

<sup>۱</sup> -Smart Cities

<sup>۲</sup> -Digital Economy

<sup>۳</sup> -Pervasive Artificial Intelligence

<sup>۴</sup> -Advanced Robotics

امیدبخش را به جامعه و جهان نشان دهند. هوش مصنوعی این دو کارکرد را به خوبی تلفیق می‌کند. نمونه‌هایی مانند استراتژی ملی هوش مصنوعی امارات، شهر نئوم در عربستان، پروژه‌های دیجیتال قطر و برنامه‌های تحول دیجیتال در کویت و عمان، همگی نشان از تلاش برای قرار دادن هوش مصنوعی در کانون توسعه آینده دارند. در این فرآیند، هوش مصنوعی به عنصری کلیدی در تصویرپردازی توسعه‌ای تبدیل می‌شود.

با این حال، این رمانتیسم توسعه با چالش‌هایی نیز همراه است. یکی از مهم‌ترین چالش‌ها، شکاف میان آرمان‌های بلندپروازانه و توانایی‌های واقعی است؛ مسئله‌ای که در ادبیات توسعه از آن به عنوان «فاصله بین وعده و عمل» یاد می‌شود. کمبود نیروی متخصص، وابستگی به فناوری خارجی، ضعف زیرساخت‌های داده و مشکلات حکمرانی دیجیتال، برخی از موانعی هستند که ممکن است تحقق این چشم‌اندازها را با مشکل مواجه کنند. وجود این چالش‌ها نشان می‌دهد که برای درک نقش هوش مصنوعی، باید از تحلیل‌های صرفاً فنی فراتر رویم و ابعاد فرهنگی، سیاسی و نهادی را نیز در نظر بگیریم.

علاوه بر چالش‌ها، بررسی نقش هوش مصنوعی در رمانتیسم توسعه کشورهای شورای همکاری خلیج فارس فرصتی ارزشمند برای تحلیل تحول مفهوم توسعه در جهان امروز فراهم می‌کند. فناوری دیگر تنها ابزاری برای رشد اقتصادی نیست، بلکه به بخشی از «سیاست آینده» تبدیل شده است. کشورها از طریق هوش مصنوعی در پی ساختن هویت جدید، تثبیت جایگاه جهانی و ارائه روایت‌های تازه

از پیشرفت هستند. این امر نشان‌دهنده ظهور نسل جدیدی از توسعه‌گرایی مبتنی بر آینده‌سازی فناورانه است.

بررسی نقش هوش مصنوعی در رمانتیسیم توسعه کشورهای شورای همکاری خلیج فارس از آن جهت اهمیت دارد که نشان می‌دهد چگونه فناوری‌های نوظهور می‌توانند نه فقط به عنوان ابزارهای اقتصادی، بلکه به عنوان عناصر سازنده گفتمان توسعه و مشروعیت حکمرانی به کار گرفته شوند. این کشورها با اتکا به هوش مصنوعی، روایت جدیدی از آینده‌سازی، تحول اقتصادی و مدرنیزاسیون ارائه کرده‌اند که ترکیبی از سیاست‌گذاری فناورانه، تصویرسازی آرمانی و رقابت ژئوپولیتیک است. فهم این پدیده برای پژوهشگران توسعه، سیاست‌گذاری فناوری و آینده‌پژوهی اهمیت دوچندان دارد؛ زیرا نشان می‌دهد که توسعه در عصر جدید تنها محصول سرمایه‌گذاری یا زیرساخت نیست، بلکه محصول مدیریت روایت‌ها، تخیل تکنولوژیک و مهندسی آینده نیز هست.

با بررسی آثار موجود پیرامون ابعاد موضوع پژوهش می‌توان پژوهش‌های ذیل را مطرح کرد؛

به طوری که خان جیا بویی<sup>۱</sup> (۲۰۲۵) در پژوهشی با عنوان «*مبانی چارچوب‌های هوش مصنوعی: مفهوم و محدودیت‌های هوش عمومی مصنوعی*» بر این امر استوار است که هوش مصنوعی در حال تبدیل شدن از یک ابزار ساده به یک «شریک شناختی فعال» است که می‌تواند توانایی‌های ذهنی انسان را گسترش دهد،

<sup>1</sup> - Khanh Gia Bui

اما همزمان ممکن است بر فرآیندهای فکری انسان نیز تأثیر بگذارد. در نگاهی دیگر محمد گولج<sup>۱</sup> (۲۰۲۵) « هوش مصنوعی ؛ مبانی، روندها و جهت‌گیری‌های آینده» این ایده را دنبال می‌کند که هوش مصنوعی یک حوزه چندبعدی است که بر پایه علوم رایانه، ریاضیات و شناخت بنا شده و تحول گسترده‌ای در حوزه‌های علمی و اجتماعی ایجاد کرده است و در جهان امروز با نگاه حذفی نمی‌توان به آن نگاه کرد. بشیری و دیگران (۱۴۰۳) در پژوهشی با عنوان «کنکاشی بر الگو و روند توسعه در امارات متحده عربی (با تأکید بر دیدگاه آدریان لفت ویچ)» بر این امر استوارند که نخبگان توسعه‌گرای حاکم در امارات متحده عربی، با بهره‌مندی از استقلال عمل گسترده و ایجاد یک بوروکراسی کارآمد در بستر یک جامعه مدنی نسبتاً ضعیف، بستر لازم برای پیشرفت اقتصادی در عرصه‌های داخلی و بین‌المللی را فراهم کردند. این مسیر با سرمایه‌گذاری گسترده در توسعه زیرساخت‌ها تکمیل شد و در نهایت، دستیابی به سطح مطلوبی از توسعه اقتصادی و انسانی را برای این کشور به ارمغان آورد در نگاهی دیگر شیرزادی (۱۳۹۴) در پژوهشی با عنوان «عوامل توسعه انسانی در امارات متحده عربی» این ایده را دنبال می‌کند که توسعه انسانی، به عنوان یکی از نظریه‌های متأخر در حوزه مطالعات توسعه، از دهه ۱۹۹۰ میلادی به بعد مقبولیت جهانی یافته است. در کانون این نظریه، این باور قرار دارد که هدف نهایی توسعه، باید برخورداری انسان از زندگی طولانی، سالم و پربار باشد. تحقق این هدف بدون نقش آفرینی مؤثر و فعال دولت امکان‌پذیر نیست، چرا که پیشبرد راهبردهای توسعه انسانی به وجود یک دولت کنش‌گر و پیش‌برنده وابسته است. امروزه، گزارش‌های ملی و بین‌المللی «توسعه انسانی» به یکی از

<sup>1</sup> - Muhammed Golec

شاخص‌های اصلی برای سنجش سطح پیشرفت کشورها تبدیل شده است. نمونه موفق این روند، امارات متحده عربی است. این کشور که در سال ۱۹۷۱ تأسیس شد، با بهره‌گیری از درآمدهای کلان حاصل از صادرات نفت و گاز و در گام بعد، با تنوع‌بخشی به اقتصاد خود، توانست مسیری تحول‌آفرین را از یک منطقه محروم و بیابانی به کشوری ثروتمند با رتبه «توسعه انسانی بسیار بالا» طی کند. به نظر می‌رسد دستیابی به این جایگاه، مرهون دو عامل کلیدی بوده است: رشد و توسعه اقتصادی شتابان و ایفای نقش ارشادی و هدایت‌گرانه توسط دولت.

موضوع پژوهش حاضر از منظر علمی و نظری دارای نوآوری است، زیرا این پژوهش دو حوزه نسبتاً مجزا یعنی گفتمان نمادین و ایدئولوژیک توسعه (رمانتیسیم توسعه) و فناوری پیشرفته هوش مصنوعی را در یک چارچوب تحلیلی واحد ترکیب می‌کند. این نوآوری را می‌توان در علل ذیل کاوش کرد؛ نخست، این موضوع فراتر از تحلیل‌های فنی یا اقتصادی هوش مصنوعی، به بُعد گفتمانی و مشروعیت‌ساز آن می‌پردازد و نشان می‌دهد چگونه دولت‌های شورای همکاری خلیج فارس از هوش مصنوعی به‌عنوان نماد آینده، پیشرفت، و «مدرنیته مطلوب» استفاده می‌کنند تا روایت‌های امید، پیشرفت ملی، و گذار پس‌انفتی را تقویت کنند؛ این پیوند میان فناوری و تخیل توسعه، در ادبیات موجود کمتر به‌طور مستقل بررسی شده است. دوم، این پژوهش مفهوم کلاسیک «دولت رانتیر» را به‌روز می‌کند و نشان می‌دهد که هوش مصنوعی نه تنها یک ابزار اقتصادی، بلکه بخشی از بازسازی ایدئولوژیک مشروعیت دولت‌هاست؛ به عبارت دیگر، دولت‌ها با نمایش پروژه‌های هوش مصنوعی، نوعی «رمانتیسیم فناورانه» تولید می‌کنند که جایگزین یا

مکمل رمانتیسم نفتی می‌شود. سوم، تمرکز بر کشورهای شورای همکاری خلیج فارس به‌عنوان مطالعه موردی، نوآوری تجربی ایجاد می‌کند، زیرا این کشورها در موقعیتی منحصر به فرد قرار دارند؛ آن‌ها هم دارای منابع مالی گسترده برای سرمایه‌گذاری در هوش مصنوعی هستند و هم نیاز ساختاری به بازتعریف هویت توسعه‌ای خود در عصر پسانفتی دارند. این شرایط امکان بررسی این فرضیه نوآورانه را فراهم می‌کند که هوش مصنوعی نه فقط یک ابزار تحول اقتصادی، بلکه یک ابزار نمادین برای ساختن آینده‌ای آرمانی و تقویت روایت‌های ملی توسعه است. در نتیجه، این موضوع با ترکیب تحلیل گفتمانی، اقتصاد سیاسی، و مطالعات فناوری، می‌تواند چارچوب مفهومی جدیدی برای فهم رابطه میان فناوری‌های نوظهور و ایدئولوژی توسعه در دولت‌های رانتیر ارائه دهد.

## ۱- ادبیات نظری

### ۱-۱ - رمانتیسم توسعه<sup>۱</sup>:

رمانتیسم توسعه را می‌توان به‌عنوان رویکردی دید که رشد و پیشرفت اقتصادی و اجتماعی را با تأکید بر ارزش‌های انسانی، طبیعت و فرهنگ محلی تحلیل می‌کند. برخلاف مدل‌های صرفاً عقلانی و تکنوکراتیک توسعه، این نگرش معتقد است که توسعه پایدار تنها زمانی حاصل می‌شود که احساسات، هویت فرهنگی و نیازهای جامعه در فرایندهای اقتصادی و اجتماعی لحاظ شوند. در این چارچوب، خلاقیت، استقلال فردی و ارتباط انسان با محیط طبیعی نه تنها به‌عنوان جنبه‌های هنری یا فلسفی اهمیت دارند، بلکه به‌عنوان عوامل کلیدی برای طراحی سیاست‌ها و

<sup>1</sup> -Romanticismus Progressionis

برنامه‌های توسعه دیده می‌شوند. بدین ترتیب، رمانتیسم توسعه، تجربه انسانی و معنای زندگی را محور پیشرفت قرار می‌دهد و بر تعادل بین تکنولوژی، اقتصاد و ارزش‌های انسانی تأکید می‌کند، چیزی که در مدل‌های مدرن توسعه گاهی نادیده گرفته می‌شود (Hills, 2002: 8-10)

## ۲-۱- مدرنیته فناورانه<sup>۱</sup>:

مفهوم «مدرنیته فناورانه» یک چارچوب تحلیلی بین‌رشته‌ای است که به بررسی رابطه پیچیده بین فناوری‌های نوین و دگرگونی‌های اجتماعی و سیاسی می‌پردازد. این چارچوب نشان می‌دهد که فناوری فقط یک ابزار برای ایجاد تغییر نیست، بلکه منبعی برای خلق معنا، هویت‌سازی و نمادی از پیشرفت به شمار می‌رود. در این دیدگاه، فناوری جزئی جدایی‌ناپذیر از ساختار مدرنیته است، نه پدیده‌ای حاشیه‌ای (Olsson, 2016: 2246)

از نگاه هستی‌شناسی، مدرنیته فناورانه بر این اصل استوار است که جهان اجتماعی در دوران مدرن، اساساً تحت تأثیر فناوری‌های فنی شکل می‌گیرد. به بیان دیگر، وجود انسان مدرن، روابط قدرت، ساختار دولتی و حتی تصورات ما از آینده، همگی از فناوری اثر می‌پذیرند. در این نگرش، فناوری از استقلال وجودی برخوردار است و نه تنها جهان را دگرگون می‌کند، که نوعی جهان‌بینی تکنولوژیک نیز پدید می‌آورد. فناوری دیگر فقط ابزاری در دست بشر نیست، بلکه نیرویی است که واقعیت اجتماعی را می‌سازد. نظام‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی در جهان مدرن، همگی با تکیه بر فناوری سازمان می‌یابند. از همین رو، هرگونه برنامه

<sup>1</sup> - Technological Modernity

توسعه‌ای مبتنی بر مدرنیته، در اصل یک پروژه فناورانه محسوب می‌شود

(Pylypenko,2021:57)

در سطح معرفت‌شناسی، این چارچوب ادعا دارد که دانش در جهان مدرن توسط «نظام‌های تکنیکی» تولید و شکل می‌گیرد. در این فضا، علم، داده و محاسبات جایگزین روایت‌های سنتی دانش شده‌اند. شناخت و آگاهی در چنین جهانی نه از راه تجربه مستقیم زندگی، که از طریق سامانه‌های دیجیتال، الگوریتم‌ها و پردازش‌های رایانه‌ای تولید و اعتبار می‌یابد. ظهور هوش مصنوعی را می‌توان نقطه اوج این دگرگونی معرفت‌شناختی دانست. معرفت‌شناسی مدرنیته فناورانه همچنین بر این باور است که دانش دیگر تنها در انحصار انسان نیست، بلکه بخشی از آن در ماشین‌ها، شبکه‌ها و سامانه‌های هوشمند متجلی می‌شود. در نتیجه، «دانش فناورانه» و «دانش انسانی» در پیوندی نوین با یکدیگر قرار می‌گیرند و سرآغاز شکل‌گیری نوع تازه‌ای از عقلانیت مبتنی بر فناوری هستند (Zhuang,2017:8)

از جمله اندیشمندانی که نقش کلیدی در شکل‌گیری این حوزه داشته‌اند، می‌توان به مارتین هایدگر اشاره کرد. او در پژوهشی نشان می‌دهد که فناوری تنها یک ابزار نیست، بلکه شیوه‌ای از آشکارسازی جهان است. به باور هایدگر، فناوری در واقع «نوعی نگرش مدرن» است که جهان را همچون منبعی برای بهره‌برداری به نمایش می‌گذارد. این دیدگاه برای درک «رمانتیسیم توسعه» بسیار اهمیت دارد (O'BRIEN,2020:182) یورگن هابرماس نیز با ارائه مفهوم «عقلانیت ابزاری»، نقش فناوری در گسترش نظام‌های اداری، حکمرانی و تولید دانش را تشریح می‌کند. او نشان می‌دهد که فناوری چگونه به بخشی از سازوکار مشروعیت‌بخشی به دولت‌ها

تبدیل شده است. این بخش از نظریه او به‌ویژه برای تحلیل کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس کاربرد دارد (Sadiki, 2020:26)

آنتونی گیدنز نیز با مطرح کردن مفهوم «مدرنیته متأخر» یادآور می‌شود که فناوری، زمان و مکان را دگرگون ساخته و نظام‌های سازمانی در مقیاس بزرگ پدید آورده است. او نقش فناوری را در شکل‌دهی به دولت‌های مدرن و فرآیند آینده‌سازی توضیح می‌دهد. نظریه‌های گیدنز برای تحلیل پروژه‌های آینده‌نگرانه‌ای مانند «نوم» بسیار سودمند هستند (Neocleous, 2000:433) بریان آرتور و نظریه «طبیعت فناوری» نیز نقش سازنده فناوری در تحول اقتصاد، دولت و هویت ملی را نشان می‌دهد. او استدلال می‌کند که فناوری‌ها «تکامل» می‌یابند و به تدریج بر ساختارهای اجتماعی مسلط می‌شوند. این نگرش با «رمانتیسیم تکنولوژیک» در منطقه خلیج فارس هم‌خوانی بسیاری دارد (Arthur, 1996:52)

محور اصلی در این نظریه، «تکنولوژی به‌مثابه مدرنیته» است. به این معنا که فناوری تنها یک ابزار برای پیشرفت نیست، بلکه نشان‌گر فرهنگی، سیاسی و هویتی «مدرن بودن» است. کشورهای حاشیه خلیج فارس می‌کوشند با به‌کارگیری هوش مصنوعی، خود را به عنوان دولت‌هایی مدرن و آینده‌نگر به جهان معرفی کنند. محور دیگر این نظریه، «عقلانیت فناورانه» است. این عقلانیت بر این باور استوار است که مسائل اجتماعی را می‌توان از راه فناوری و داده‌ها حل کرد. در این نگاه، هوش مصنوعی راه‌حلی طبیعی برای مشکلات اقتصادی، ترافیکی، مدیریتی و امنیتی به شمار می‌رود. این باور، هسته اصلی برنامه توسعه هوشمند در کشورهای شورای همکاری خلیج فارس است. «فردای تکنولوژیک» نیز از دیگر محورهای مهم این

چارچوب است که نشان می‌دهد فناوری‌های نوظهور مانند هوش مصنوعی، ابزاری برای ساختن آینده‌ای مطلوب هستند. کشورهایی مانند امارات و عربستان با راه‌اندازی پروژه‌های عظیم و تدوین سیاست‌های آینده‌نگر، در پی خلق نسخه‌ای فناورانه از فردا هستند.

جان‌کلام نظریه مدرنیته فناورانه این است که توسعه در عصر کنونی بدون فناوری غیرممکن است. فناوری نه تنها محرک توسعه، که خالق «تخیل توسعه» است. آنچه کشورها به عنوان چشم‌انداز و آرمان‌های ملی خود ارائه می‌دهند، عموماً بر زبان و تصویرهایی فناورانه استوار است. در این چارچوب، دولت‌ها از فناوری به عنوان ابزاری برای اعمال قدرت، کسب مشروعیت، برندسازی ملی و رقابت ژئوپلیتیک سود می‌برند. در منطقه خلیج فارس، هوش مصنوعی به زبان مشترک رقابت در عرصه حکمرانی تبدیل شده است. مدرنیته فناورانه بر نقش فناوری در بازسازی هویت جمعی نیز تأکید دارد. کشورهایی مانند امارات و قطر می‌کوشند تصویری از خود به عنوان ملت‌هایی «پیشرفته، آینده‌نگر و هوشمند» خلق کنند. این تصویرسازی بخشی از «رمانتیسیم توسعه» به شمار می‌رود.

در مدرنیته فناورانه، فناوری به ابزاری برای دگرگونی ساختار حکمرانی تبدیل می‌شود. هوش مصنوعی با تولید داده، نظارت هوشمند، خودکارسازی و تحلیل‌های الگوریتمی، شیوه تصمیم‌گیری در دولت‌ها را متحول می‌کند. این تحول بخش مهمی از مدل حکمرانی در کشورهای شورای همکاری خلیج فارس است. نکته بنیادی دیگر در این نظریه آن است که فناوری «امکان‌های تازه» می‌آفریند. این امکان‌ها تنها فنی نیستند، بلکه ابعاد سیاسی و فرهنگی نیز دارند. کشورهای عضو

شورای همکاری خلیج فارس با تکیه بر فناوری، امکان تازه‌ای برای تصور «دولت فرا-نفتی» پدید آورده‌اند. هوش مصنوعی، ابزار شکل‌دهی به این امکان‌سازی است.

## ۲- رمانتیسیم توسعه در گفتمان حکمرانی خلیج فارس

در کشورهای حاشیه خلیج فارس، «توسعه» تنها یک برنامه اقتصادی نیست؛ بلکه به پدیده‌ای شبیه به یک رؤیای آرمانی تبدیل شده است. این رویکرد که می‌توان آن را «رمانتیسیم توسعه» نامید، در گفتمان حکمرانی این منطقه ریشه دوانده است. در این نگاه، دولت‌ها به جای تمرکز بر فرآیندهای کند و تدریجی توسعه، با خلق روایت‌های جذاب و آینده‌محور، تصویری فریبنده و ایده‌آل از پیشرفت ترسیم می‌کنند. این تصویر بیشتر بر پایه تخیل تکنولوژیک، معماری خیره‌کننده و نمایش دگرگونی استوار است تا واقعیت‌های روزمره. در نتیجه، توسعه در اینجا به پروژه‌ای فرهنگی، هویتی و نمادین بدل شده که هدفش بازتعریف چهره ملی است. امارات متحده عربی و عربستان سعودی، به عنوان پیشگامان این عرصه، با استفاده از شعارهایی مانند «آینده‌نگری»، «اقتصاد هوشمند» و «شهرهای آینده»، واژگان جدیدی برای توسعه ابداع کرده‌اند. این زبان تازه، آمیزه‌ای از فناوری‌های پیشرفته، بلندپروازی‌های ژئوپلیتیک و تلاش برای کسب مشروعیتی مدرن است. برای این کشورها، توسعه تنها یک الزام اقتصادی در جهان پس از نفت نیست، بلکه ابزاری برای بازسازی تصویر خود در عرصه جهانی است. مضمون مرکزی این رمانتیسیم،

«گسست از گذشته» است (Rizzo, 2017: 86)

آینده نه به عنوان ادامه طبیعی حال، بلکه به عنوان عصری کاملاً نو، پرشتاب و دیجیتالی به تصویر کشیده می‌شود. عناصر اصلی این آرمان‌شهر، شهرهای هوشمند، پروژه‌های عظیم معماری، رباتیک، هوش مصنوعی و انرژی‌های پاک هستند. این روایت‌ها از حوزه سیاست‌گذاری فراتر رفته و به ابزاری برای کسب مشروعیت و قدرت تبدیل شده‌اند. در این میان، «شهر» نقش نماد اصلی توسعه را ایفا می‌کند. پروژه‌هایی مانند «نئوم» در عربستان یا شهرهای هوشمند امارات، تنها مکان‌هایی برای زندگی نیستند، بلکه صحنه‌های نمایشی برای اثبات پیشرفت و قدرت تخیل تکنولوژیک هستند. این پروژه‌ها در کنار اهداف اقتصادی، پیامی سیاسی و فرهنگی نیز در خود دارند: رهبری مسیر آینده به دست کشورهای خلیج فارس خواهد بود. فناوری، به ویژه هوش مصنوعی، در این گفتمان جایگاهی اساسی دارد

(Alqahtany, 2025:3)

هوش مصنوعی دیگر فقط یک ابزار برای بهبود کارایی نیست، بلکه بخشی از یک رؤیای توسعه است. این فناوری به زبان مشترک سیاست‌مداران منطقه تبدیل شده است؛ زبانی که بر محورهای سرعت، نوآوری، عقلانیت فناورانه و جهان‌وطنی آینده می‌چرخد. بنابراین، فناوری در خلیج فارس همزمان سه نقش را بازی می‌کند: ابزار، نماد و ایدئولوژی. این نگاه رمانتیک، به شکل‌گیری بلندپروازانه‌ترین اسناد ملی منجر شده است. «چشم‌انداز ۲۰۳۰» عربستان، «استراتژی ملی هوش مصنوعی» امارات و برنامه‌های مشابه در قطر و کویت، همگی بر «آینده‌سازی تهاجمی» تأکید دارند. این اسناد اغلب فراتر از ظرفیت‌های کنونی طراحی شده‌اند، اما همین بلندپروازی، بخشی از مکانیسم رمانتیسم توسعه است؛ چرا که هدف اصلی، بسیج جامعه، جذب سرمایه‌گذاران خارجی و به رخ کشیدن پتانسیل‌های نهفته است. با

این حال، این رؤیای توسعه با چالش‌های واقعی روبه‌روست. مهم‌ترین آن، شکاف میان روایت آرمانی و واقعیت نهادی است. بسیاری از این کشورها هنوز با موانعی مانند کمبود نیروی متخصص بومی، وابستگی شدید به کارگران مهاجر، ضعف دانشگاه‌های پژوهشی و فقدان تولید علم دست‌وپنجه نرم می‌کنند. گفتمان رمانتیک توسعه، این ضعف‌ها را در پشت تصاویر درخشان از فردا پنهان می‌کند و نوعی خوش‌بینی افراطی نسبت به آینده ایجاد می‌نماید (Salhab, 2025:13)

علاوه بر این، رمانتیسیم توسعه به ابزاری برای مشروعیت‌بخشی به حکمرانی تبدیل شده است. دولت‌ها با نمایش آینده‌ای جذاب و فناورانه، در حال پیشنهاد یک قرارداد اجتماعی جدید هستند: اعطای مشروعیت سیاسی در ازای وعده زندگی بهتر در فردا. این الگو، جایگزینی برای مدل‌های سنتی مشروعیت در دولت‌های نفتی شده و شکلی از «حکمرانی مبتنی بر آینده» را خلق کرده است؛ حکمرانی‌ای که مردم را نه از طریق دستاوردهای کنونی، که از طریق «تصویر آینده» بسیج می‌کند. در عرصه ژئوپلیتیک نیز این پدیده نقش مهمی ایفا می‌کند. کشورهای عربی خلیج فارس از پروژه‌های تکنولوژیک به عنوان ابزاری برای رقابت با یکدیگر و با جهان استفاده می‌کنند. مسابقه برای جذب سرمایه خارجی، تبدیل شدن به قطب فناوری منطقه، میزبانی رویدادهای بین‌المللی و ورود به اقتصاد دیجیتال جهانی، همگی بخشی از تلاش این کشورها برای کسب «قدرت نرم» و ارتقای جایگاه سیاسی خود است (AlKhalifa, 2021:248)

بنابراین، توسعه رمانتیک در نهایت راهبردی برای افزایش نفوذ و قدرت به شمار می‌رود. در نهایت، رمانتیسیم توسعه در خلیج فارس ترکیبی پیچیده از آرمان‌گرایی

تکنولوژیک، آینده‌پردازی سیاسی و رقابت ژئوپلیتیک است. این گفتمان با بهره‌گیری از فناوری‌های نوین، پروژه‌های شهری بلندپروازانه و اسناد چشم انداز، در تلاش است تا «توسعه» را به یک «روایت بزرگ» تبدیل کند؛ روایتی که نه تنها اقتصاد، که هویت، مشروعیت و جایگاه بین‌المللی این کشورها را از نو می‌سازد. درک این پدیده، کلید تحلیل تحولات آینده حکمرانی و توسعه در این منطقه راهبردی جهان است.

### جدول شماره ۱: رمانتیسیم توسعه در کشورهای حاشیه خلیج فارس

رکن اصلی رمانتیسیم توسعه	ابزارها و تجلی	نتیجه و پیامد
خلق یک روایت آرمانی و هویتی	<ul style="list-style-type: none"> <li>• شعارهایی مانند «آینده‌نگری» و «شهرهای آینده»</li> <li>• پروژه‌های نمادین (نئوم، شهرهای هوشمند)</li> <li>• اسناد بلندپروازانه (چشم‌انداز ۲۰۳۰)</li> </ul>	بازتعریف هویت ملی و چهره جهانی، ایجاد مشروعیت سیاسی از طریق وعده آینده‌ای درخشان و جلب سرمایه‌گذاری
فناوری به عنوان نماد و ایدئولوژی	<ul style="list-style-type: none"> <li>• تمرکز بر هوش مصنوعی، رباتیک و انرژی‌های پاک</li> <li>• نمایش عقلانیت فناورانه در حکمرانی</li> <li>• خلق «تخیل تکنولوژیک» برای گسست از گذشته</li> </ul>	نمایش پیشگامی در عرصه جهانی، تقویت قدرت نرم و ارائه یک «قرارداد اجتماعی جدید» مبتنی بر زندگی بهتر در آینده
رقابت ژئوپلیتیک و پنهان‌سازی چالش‌ها	<ul style="list-style-type: none"> <li>• مسابقه برای تبدیل شدن به قطب فناوری منطقه</li> <li>• میزبانی رویدادهای بین‌المللی</li> <li>• پنهان کردن ضعف‌هایی مانند وابستگی به نیروی کار مهاجر و کمبود متخصص بومی</li> </ul>	افزایش نفوذ و جایگاه بین‌المللی، که در کنار آن، خطر ایجاد شکاف بین روایت آرمانی و واقعیت‌های نهادی وجود دارد

### ۳- نقش هوش مصنوعی در تحقق رمانتیسیم توسعه در کشورهای شورای همکاری خلیج فارس

بی شک هوش مصنوعی در کشورهای حوزه خلیج فارس تنها یک ابزار فنی پیشرفته نیست، بلکه به سنگ بنای اصلی «گفتمان آینده‌سازی» این کشورها تبدیل شده است. از منظر رمانتیسیم توسعه، هوش مصنوعی کارکردی فراتر از یک فناوری صرف دارد و به ابزاری برای خلق روایتی آرمانی، جذاب و مدرن از آینده بدل شده است. روایتی که می‌کوشد نشان دهد این کشورها پیشگام گذار از اقتصاد نفتی به اقتصاد دانش‌بنیان هستند. دولت‌های عضو شورای همکاری خلیج فارس، هوش مصنوعی را محور اصلی برنامه‌های تحول دیجیتال خود قرار داده‌اند (Aldhaen, 2025:3)

طرح‌هایی مانند «استراتژی ملی هوش مصنوعی ۲۰۳۱ امارات» و «استراتژی داده و هوش مصنوعی عربستان» گواه آن است که این فناوری موتور محرک پروژه‌های آینده‌نگرانه تلقی می‌شود. این اسناد در واقع نقشه‌ای آرمانی از توسعه ترسیم می‌کنند که لحن رمانتیک حاکم بر سیاست‌گذاری‌های منطقه را شکل می‌دهد. یکی از کلیدی‌ترین نقش‌های هوش مصنوعی در این بستر، خلق تصویری فراواقعی از آینده است: آینده‌ای با شهرهای کاملاً هوشمند، خدمات تمام‌دیجیتال و زندگی اجتماعی مبتنی بر الگوریتم. این تصویرسازی، نوعی شور و اشتیاق توسعه‌ای ایجاد می‌کند که سیاست‌گذاران را به سمت اهدافی بسیار بلندپروازانه سوق می‌دهد. در پروژه‌های شهری خلیج فارس نیز هوش مصنوعی جایگاهی محوری یافته است. پروژه‌هایی مانند «نئوم» در عربستان و شهرهای هوشمند امارات، از هوش مصنوعی

نه فقط به عنوان ابزاری برای مدیریت، بلکه به عنوان بخشی از روایت «شهر آینده» بهره می‌برند. شهری که در آن زندگی انسانی در هماهنگی کامل با فناوری پیشرفته جریان دارد. این فناوری همچنین به خلق «معماری آینده‌گرا» در منطقه کمک کرده است (Abudaqqa, 2025:18)

از طراحی زیرساخت‌های دیجیتال و شبکه‌های هوشمند انرژی گرفته تا سیستم‌های پیش‌بینی تقاضا و حتی فرآیندهای تصمیم‌گیری دولتی، هوش مصنوعی همه‌جا حاضر است. این تلفیق فناوری و حکمرانی، از ویژگی‌های بارز رمانتیسیم توسعه در خلیج فارس به شمار می‌رود. از جنبه اقتصادی، هوش مصنوعی نماد گذار از اقتصاد نفتی به اقتصاد دانش‌بنیان معرفی می‌شود. با معرفی برنامه‌های هوش مصنوعی محور در حوزه‌هایی مانند مالی، لجستیک، سلامت و انرژی، دولت‌ها می‌کوشند تصویری از اقتصادهای مقاوم و مبتنی بر دانش ارائه دهند. این روایت‌ها اگرچه هنوز به طور کامل محقق نشده‌اند، در جلب اعتماد عمومی و جذب سرمایه‌گذاری خارجی بسیار مؤثر بوده‌اند. هوش مصنوعی در بازتعریف هویت ملی نیز نقش ایفا می‌کند: امارات با عنوان «پایتخت آینده» شناخته می‌شود، عربستان از «تمدن جدید» سخن می‌گوید و قطر در پی تبدیل شدن به قطب جهانی داده و دیجیتال است (Oghenekevwe, 2025:18-19)

در این میان، هوش مصنوعی ابزار اصلی شکل‌دهی به هویتی مدرن، فناورانه و جهانی است. در عرصه حکمرانی، هوش مصنوعی به خلق نوعی «عقلانیت فناورانه» یاری رسانده است. دولت‌ها با تکیه بر داده‌ها، الگوریتم‌ها و پیش‌بینی‌ها، سعی در نمایش تصمیم‌گیری‌های علمی، سریع و مبتنی بر محاسبات دقیق دارند. این

عقلانیت الگوریتمی، هرچند ظاهراً منطقی و کارآمد به نظر می‌رسد، بخشی از سازوکار رمانتیسیم توسعه است که هدفش ایجاد اعتماد و نمایش کارآمدی حکمرانی است. یکی از کارکردهای کلیدی هوش مصنوعی در این بستر، جلب سرمایه‌گذاری خارجی از طریق چشم‌اندازهای فناورانه فریبنده است. کشورهای حوزه خلیج فارس با نمایش آینده‌ای درخشان و تکنولوژیک، سرمایه‌گذاران بین‌المللی را به همکاری در پروژه‌های پیشرفته دعوت می‌کنند. در اینجا، هوش مصنوعی در نقش «ویترین توسعه» ظاهر می‌شود عاملی که توسعه را جذاب و قابل فروش می‌کند. این فناوری به ابزاری برای قدرت نرم نیز تبدیل شده است. با تأسیس مراکز تحقیقاتی، میزبانی کنفرانس‌های بین‌المللی و مشارکت در برنامه‌های جهانی هوش مصنوعی، این کشورها در حال ساخت برند ملی مبتنی بر فناوری هستند. این اقدامات علاوه بر کاربرد راهبردی، روایت رمانتیک «پیشگامی جهانی» را نیز تقویت می‌کنند. با این حال، نقش هوش مصنوعی در این منطقه تنها مثبت نیست. گاه شکاف عمیقی بین چشم‌اندازهای ارائه‌شده و ظرفیت‌های واقعی وجود دارد، که موجب می‌شود هوش مصنوعی به بخشی از پروژه‌های نمایشی تقلیل یابد. این «فناوری‌گرایی نمادین» از ویژگی‌های رایج در توسعه نمایشی کشورهای ثروتمند نفتی است. اگرچه این کشورها با سرعت بالایی به سمت پذیرش هوش مصنوعی پیش می‌روند، اما هنوز با چالش‌هایی مانند کمبود نیروی متخصص بومی، وابستگی به فناوری خارجی، ضعف در فرهنگ تحقیق و توسعه و ناتوانی در تولید علم بومی روبرو هستند. این موانع، تحقق رؤیای رمانتیسیم توسعه را با دشواری مواجه ساخته است. به بیان دیگر، هوش مصنوعی در بسیاری موارد بیشتر

«آینده‌نمایی» است تا «آینده‌سازی» با این همه، هوش مصنوعی به عنوان یک ابزار نمادین تأثیر خود را حفظ می‌کند. حتی اگر کاربردهای عملی آن در برخی حوزه‌ها محدود باشد، نقش آن در شکل‌دهی به تخیل توسعه‌ای غیرقابل انکار است.

(Hara, 2024:92-93)

این تصویر آرمانی، پایه بسیاری از سیاست‌های کلان منطقه از چشم‌اندازهای ملی تا اصلاحات اقتصادی و اجتماعی را تشکیل می‌دهد. نقش دوگانه هوش مصنوعی هم به عنوان ابزار عملی توسعه و هم به عنوان نماد پیشرفت موجب شده رمانتیسم توسعه در خلیج فارس شکلی متمایز از مدل‌های کلاسیک توسعه به خود بگیرد. این کشورها توسعه را نه از مسیر تدریجی، که از طریق «پرش فناورانه» و «نمایش آینده» دنبال می‌کنند و هوش مصنوعی، ستون فقرات این پرش و نمایش است. در نهایت، هوش مصنوعی به موتور محرک رمانتیسم توسعه در کشورهای شورای همکاری خلیج فارس تبدیل شده است. این فناوری علاوه بر ارتقای بهره‌وری و خلق صنایع جدید، نقشی فرهنگی و سیاسی نیز ایفا می‌کند: ساختن آینده به مثابه یک پروژه ملی. از این رو، تحلیل روند توسعه در منطقه خلیج فارس بدون در نظر گرفتن نقش هوش مصنوعی در خلق این روایت جذاب، بلندپروازانه و گاهی غیرواقع‌بینانه، ناقص خواهد بود.

## جدول شماره ۲: تحلیل نقش هوش مصنوعی در گفتمان آینده‌سازی خلیج فارس

نقش کلیدی هوش مصنوعی	تجلی در عمل	نتیجه و پیامد
ساخت روایت آرمانی و هویت ساز	<ul style="list-style-type: none"> <li>• طرح‌های کلان مانند استراتژی ملی هوش مصنوعی ۲۰۳۱ امارات</li> <li>• پروژه‌های آینده‌نگرانه مانند «نوم»</li> <li>• بازتعریف هویت ملی (پایتخت آینده، تمدن جدید)</li> </ul>	خلق یک «تخیل توسعه‌ای» جذاب برای گذار از اقتصاد نفتی، جلب سرمایه‌گذاری و تقویت قدرت نرم
ابزار نمایش کارآمدی و عقلانیت	<ul style="list-style-type: none"> <li>• هوشمندسازی شهرها و خدمات</li> <li>• ایجاد «عقلانیت فناورانه» در حکمرانی با استفاده از داده و الگوریتم</li> <li>• نمایش تصمیم‌گیری‌های علمی و دقیق</li> </ul>	ایجاد اعتماد عمومی و بین‌المللی نسبت به کارآمدی حکمرانی و پیشگامی در توسعه
نمادین‌گرایی و تقابل با واقعیت	<ul style="list-style-type: none"> <li>• تمرکز بر ویتترین‌های فناورانه و چشم‌اندازهای فریبنده</li> <li>• فناوری‌گرایی نمادین» در قالب پروژه‌های نمایشی</li> <li>• شکاف بین روایت آرمانی و موانع عملی (نظیر کمبود متخصص بومی)</li> </ul>	خطر تقلیل هوش مصنوعی به «آینده‌نمایی» به جای «آینده‌سازی» و مواجهه با چالش‌های تحقق رؤیاها.

منبع: نویسنده

## ۴- ارزیابی مقایسه‌ای کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس

در دو دهه اخیر، کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس وارد عرصه نوینی از «توسعه آینده‌محور» شده‌اند که در آن فناوری‌های نوظهور، به‌ویژه هوش مصنوعی، به کانون گفتمان حکمرانی و سیاست‌گذاری بدل گشته‌اند. این کشورها به صورت جمعی در پی خلق آینده‌ای متفاوت از گذشته مبتنی بر نفت هستند و هوش مصنوعی نقشی اساسی در این نقشه راه ایفا می‌کند. با وجود حرکت همگانی این کشورها به سمت هوش مصنوعی، سرعت، عمق و جهت‌گیری این تحول در هر یک متفاوت است. این تمایزها به شکل‌گیری الگوهای گوناگونی از «رمانتیسیم

توسعه» انجامیده که از جنبه‌های هویتی و نمادین تا عرصه‌های عملیاتی و سیاستی قابل مقایسه هستند. امارات متحده عربی به عنوان پیشگام منطقه، هوش مصنوعی را به ابزاری کلیدی برای رمانتیسیم توسعه تبدیل کرده است (Fadlelmula, 2024:13)

تأسیس «وزارت هوش مصنوعی»، اجرای استراتژی ملی و ایجاد مناطق آزاد فناوری، همگی در راستای ساخت تصویری از امارات به عنوان «پایتخت فناوری جهان عرب» بوده است. در این کشور، هوش مصنوعی هم‌زمان کارکردی اقتصادی و ابزاری برای برندسازی ملی دارد. سرمایه‌گذاری در حوزه‌هایی مانند دولت دیجیتال، حمل‌ونقل هوشمند و امنیت سایبری نشان می‌دهد که امارات از هوش مصنوعی نه فقط برای نمادگرایی، بلکه برای بازآفرینی ساختار حکمرانی بهره می‌برد. یکپارچگی نهادی بالا در امارات، ظرفیت تحقق این روایت رمانتیک از توسعه را افزایش داده است. عربستان سعودی اما الگویی متمایز ارائه می‌دهد. در این کشور، هوش مصنوعی ذیل پروژه عظیم «چشم‌انداز ۲۰۳۰» تعریف شده و با پروژه‌هایی چون «نوم»، شهرهای دیجیتال و اقتصاد هوشمند، آینده‌ای بدیع و غیرنفتی ترسیم می‌کند. در اینجا، هوش مصنوعی بیش از آنکه ابزار برندسازی باشد، محرکی برای تحول ساختاری است.

پروژه نوم، با وعده دنیایی فراواقعی و مدیریت شده توسط الگوریتم‌ها، نمونه‌اعلای رمانتیسیم توسعه مبتنی بر هوش مصنوعی است. اگرچه بسیاری از این وعده‌ها هنوز در مرحله تصویرپردازی هستند، اما نقشی حیاتی در گفتمان توسعه عربستان ایفا می‌کنند. تفاوت کلیدی میان این دو کشور در این است که امارات رمانتیسیم توسعه را از مسیر نهادسازی پیش می‌برد، در حالی که عربستان بر پروژه‌های عظیم و

آینده‌نگرانه تمرکز دارد. امارات بر «اجرای عملیاتی مدیریت داده» تأکید می‌ورزد، اما عربستان بر «نمایش عظمت تکنولوژیک» سرمایه‌گذاری می‌کند. قطر مسیر ویژه خود را طی می‌کند. این کشور با جمعیت کم و منابع مالی غنی، استراتژی توسعه مبتنی بر هوش مصنوعی را بر پایه زیرساخت‌های آموزشی، پژوهشی و شهری بنا نهاده است. تمرکز قطر بر توسعه مراکز تحقیقاتی، دانشگاه‌های تراز اول و شبکه‌های هوشمند انرژی، در مقایسه با امارات و عربستان، رویکردی آکادمیک‌تر و محتاطانه‌تر به آن بخشیده است. رمانتیسیم توسعه در قطر حول محور «اقتصاد دانش‌بنیان» شکل گرفته و نمونه‌هایی مانند استفاده از هوش مصنوعی در تحلیل داده‌های ورزشی جام جهانی ۲۰۲۲، نشان می‌دهد که این فناوری بیشتر به عنوان ابزاری عقلانی و کاربردی دیده می‌شود تا یک نماد. کویت نیز این مسیر را می‌پیماید، اما با سرعتی کندتر. تمرکز اصلی این کشور بر تحول دیجیتال بخش دولتی، آموزش نیروی انسانی و تدوین چارچوب‌های قانونی است. در کویت، رمانتیسیم توسعه بیشتر در سطح گفتمان و برنامه‌ریزی متجلی شده و کمتر در پروژه‌های بزرگ عینیت یافته است. چالش اصلی کویت، ضعف یکپارچگی نهادی و کندی تحول دیجیتال است که باعث شده نقش هوش مصنوعی در روایت توسعه‌ای آن بیشتر نمادین باشد (Sumra, 2026:73)

با این حال، سرمایه انسانی آن می‌تواند در بلندمدت به نقطه قوتی تبدیل شود. بحرین به عنوان یکی از کوچک‌ترین اعضای شورا، در حوزه فناوری مالی و هوش مصنوعی عملکردی درخشان داشته است. این کشور با ایجاد سندباکس‌های نظارتی و جذب استارت‌آپ‌های جهانی، در پی تثبیت جایگاه خود به عنوان مرکز

مالی دیجیتال منطقه است. رمانتیسیم توسعه در بحرین با محوریت «هوشمندسازی خدمات و اقتصاد دیجیتال» ظهور یافته و برخلاف عربستان، بر پروژه‌های کوچک، چابک و کارآمد متمرکز است. این مدل، بر پایه قدرت نرم و چابکی اقتصادی استوار است. عمان نیز پا به عرصه تحول دیجیتال گذاشته، اما با رویکردی معتدل و محتاطانه. برنامه‌های این کشور برای به کارگیری هوش مصنوعی در بخش‌هایی چون انرژی، معدن و سلامت، نشان از رمانتیسیمی واقع‌گرایانه و کمتر اغراق‌آمیز دارد. عمان تمایل دارد آینده را بر اساس «ظرفیت‌های واقعی» خود بسازد و از این رو، هوش مصنوعی در این کشور بیشتر نقشی «تقویت‌کننده توسعه پایدار» دارد تا «ابزاری برای نمایش آینده»

جدول شماره ۳: نقش‌آفرینی هوش مصنوعی در توسعه خلیج فارس

کارکرد اصلی هوش مصنوعی	الگوی محوری	کشور	ردیف
برندسازی ملی و نمایش عظمت تکنولوژیک	رمانتیسیم توسعه شدید	امارات متحده عربی و عربستان سعودی	۱
تقویت اقتصاد دانش‌بنیان و خدمات هوشمند	عقلانیت و چابکی دیجیتال	قطر و بحرین	۲
تحول نهادی پایدار و تقویت توسعه زیرساختی	احتیاط و واقع‌گرایی	کویت و عمان	۳

منبع: نویسنده

## نتیجه‌گیری

ارتباط میان هوش مصنوعی و دولت‌های رانتیر نفتی خلیج فارس را می‌توان در چارچوب گذار از «رانت منابع طبیعی» به «رانت داده و فناوری» تحلیل کرد؛ این دولت‌ها که تاریخچه مشروعیت سیاسی و ثبات اقتصادی خود را بر توزیع درآمد‌های نفتی بنا کرده‌اند، اکنون با سرمایه‌گذاری گسترده در هوش مصنوعی تلاش می‌کنند هم وابستگی به نفت را کاهش دهند و هم ظرفیت‌های جدیدی برای کنترل اجتماعی، تنوع‌بخشی اقتصادی، و افزایش کارایی دولت ایجاد کنند. هوش مصنوعی به این دولت‌ها امکان می‌دهد نظام‌های نظارتی پیشرفته‌تر، مدیریت هوشمند زیرساخت‌ها، و اقتصادهای مبتنی بر خدمات دیجیتال ایجاد کنند، که در عمل می‌تواند مدل رانتیر را بازتولید کند اما با منبع جدیدی از رانت یعنی داده، پلتفرم‌ها و مالکیت زیرساخت‌های دیجیتال به جای نفت. در عین حال، این تحول ممکن است رابطه دولت-شهروند را نیز تغییر دهد؛ از یک سو فرصت‌هایی برای اشتغال و نوآوری ایجاد می‌کند، اما از سوی دیگر می‌تواند تمرکز قدرت، نظارت دیجیتال، و تداوم اقتدارگرایی را تقویت کند، زیرا دولت‌ها مالک اصلی سرمایه‌گذاری‌های فناوری و زیرساخت‌های داده باقی می‌مانند.

هوش مصنوعی در چشم‌انداز توسعه کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس، تنها یک ابزار تکنولوژیک به شمار نمی‌رود، بلکه به بخشی حیاتی از «رمانتیسیم توسعه» در این کشورها تبدیل شده است. در این پژوهش، رمانتیسیم توسعه به تصویری آرمانی و ایده‌آل از آینده اشاره دارد که در آن فناوری‌های نوظهور مانند هوش مصنوعی، نماد قدرت، پیشرفت و تحول تمدنی قلمداد

می‌شوند. در نتیجه، هوش مصنوعی از نقش صرفاً اقتصادی فراتر رفته و به عاملی هویت‌ساز و فرهنگی در عرصه سیاست‌گذاری بدل گشته است.

نتایج مطالعه حاضر نشان می‌دهد که دولت‌های خلیج فارس با بهره‌گیری از هوش مصنوعی، تلاش دارند فاصله میان اقتصاد وابسته به نفت و آینده‌ای غیرنفتی را از طریق گفتمان «تحول دیجیتال» پر کنند. در این مسیر، تدوین استراتژی‌های ملی برای توسعه هوش مصنوعی، طراحی شهرهای هوشمند و نوسازی بخش دولتی، همگی روایتی توسعه‌گرایانه را تقویت می‌کنند؛ روایتی که توسعه را نه یک فرایند محدود، بلکه پروژه‌ای بلندپروازانه و گاه آرمان‌شهری به تصویر می‌کشد.

این رویکرد، مشروعیت سیاسی و اقتصادی تازه‌ای برای حکومت‌ها به ارمغان آورده است. با وجود قابلیت‌های انکارناپذیر هوش مصنوعی، بخش عمده‌ای از این رمانتیسیم توسعه، بر تصویرسازی‌های آینده متمرکز است؛ تصاویری که گاهی فراتر از توان نهادی، سرمایه انسانی و زیرساخت‌های دیجیتال این کشورها قرار می‌گیرد. این شکاف میان «آرمان آینده» و «امکان تحقق» می‌تواند به پیامدهایی مانند وابستگی بیش از حد به سرمایه خارجی، اتکای فناورانه به دیگران و ایجاد انتظارات غیرواقع‌بینانه منجر شود. بنابراین، در مواردی هوش مصنوعی بیش از آنکه محرک توسعه باشد، به ابزاری برای بیان «آرزوهای توسعه‌یافتگی» تبدیل شده است.

بررسی تطبیقی کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس نشان می‌دهد که هر یک با رویکردی متفاوت به رمانتیسیم توسعه مبتنی بر هوش مصنوعی پرداخته‌اند. برای مثال، امارات متحده عربی با ایجاد نهادهای منسجم، بیش از دیگران در پی تبدیل شدن به قطب فناوری منطقه است؛ در حالی که عربستان

سعودی هوش مصنوعی را در چارچوب چشم‌انداز ۲۰۳۰ خود، برای دگرگونی ساختارهای اقتصادی و شهری به کار گرفته است. قطر، بحرین، عمان و کویت نیز با ظرفیت‌های گوناگون، در مسیر هم‌سویی با این جریان حرکت می‌کنند. با این حال، همه این کشورها در یک نقطه مشترک هستند؛ استفاده از هوش مصنوعی به عنوان نماد پیشرفت و موتور توسعه آینده.

در کنار دشواری‌ها، هوش مصنوعی فرصت‌های واقعی نیز برای اقتصادهای خلیج فارس ایجاد کرده است. تنوع‌بخشی اقتصادی، ظهور صنایع جدید، ارتقای خدمات عمومی و افزایش رقابت‌پذیری در عرصه جهانی از جمله دستاوردهای مثبت آن به شمار می‌روند. این فناوری می‌تواند وابستگی به نفت را کاهش داده و پایه‌های رشد پایدارتری را بنا نهد، مشروط بر آنکه با اصلاحات آموزشی، سرمایه‌گذاری در پژوهش، توسعه مهارت‌های انسانی و تقویت نهادهای نظارتی همراه شود. در این صورت، رمانتیسیم توسعه می‌تواند به تحقق توسعه واقعی بینجامد. تجربه کشورهای شورای همکاری خلیج فارس؛ برای ایران می‌تواند چندین درس مهم دربر داشته باشد.

نخست آنکه توسعه مبتنی بر هوش مصنوعی نیازمند چشم‌انداز روشن، سیاست‌گذاری منسجم و نهاد تخصصی است؛ امری که در امارات و عربستان به وضوح دیده می‌شود. دوم اینکه فناوری بدون سرمایه انسانی، زیرساخت داده‌ای و حکمرانی شفاف نمی‌تواند موتور توسعه پایدار باشد. سوم آنکه این کشورها نشان داده‌اند تصویرسازی مؤثر از آینده می‌تواند موجب بسیج سرمایه‌گذاری، ارتقای اعتماد عمومی و جذب مشارکت بین‌المللی شود.

برای ایران، بهره‌گیری از هوش مصنوعی باید هم‌زمان بر ظرفیت‌سازی ملی، سیاست‌گذاری مبتنی بر شواهد و ایجاد چشم‌انداز فناورانه واقع‌گرایانه استوار باشد. ایران می‌تواند با نقد و بررسی رمانتیسم توسعه در کشورهای همسایه، از تکرار افراط‌گرایی در وعده‌ها پرهیز کرده و مسیر توسعه فناورانه‌ای را دنبال کند که بر تعادل میان تخیل و توان واقعی مبتنی باشد. در نهایت گفتنی است که؛ هوش مصنوعی در کشورهای شورای همکاری خلیج فارس به نیرویی دوجبهی تبدیل شده است؛ از سویی محرکی واقعی برای دگرگونی‌های اقتصادی و اجتماعی، و از سوی دیگر ابزاری نمادین برای ساختن آینده‌ای آرمانی و جذاب. این دو وجه در کنار یکدیگر، چشم‌انداز توسعه این منطقه را شکل می‌دهند. از این رو، درک نقش هوش مصنوعی در خلیج فارس مستلزم تحلیل هم‌زمان کارکردهای فنی و گفتمانی آن است. شایان ذکر است که اگر رمانتیسم توسعه با ظرفیت‌سازی واقع‌بینانه، نهادسازی کارآمد و سیاست‌گذاری مبتنی بر شواهد همراه شود، می‌تواند به موتور محرک توسعه پایدار در این کشورها تبدیل گردد؛ در غیر این صورت، ممکن است به پروژه‌ای نمایشی و کم‌بازده محدود بماند.

## منابع

۱. بشیری، محبوبه، حمیدی، سمیه، خسروی زارگز، مسلم (۱۴۰۳)، کنکاشی بر الگو و روند توسعه در امارات متحده عربی (با تأکید بر دیدگاه آدریان لفت ویچ)، *فصلنامه علمی مطالعات خاورمیانه*، دوره ۳۱، شماره ۲، صص ۱۵۳-۱۳۵
۲. شیرزادی، رضا (۱۳۹۴)، عوامل توسعه انسانی در امارات متحده عربی، *فصلنامه جستارهای سیاسی معاصر*، دوره ۶، شماره ۲، صص ۱۳۸-۱۱۹

3. Olsson, T. (2016). Social media and new forms for civic participation. *New Media & Society*, 18(10), 2242-2248. <https://doi.org/10.1177/1461444816656338>
4. Pylypenko, S. (2021). Technologization of human of the postmodern age as a challenge to the natural reality of the earth. *ScienceRise*, (3), 55-60. <https://doi.org/10.21303/2313-8416.2021.001927>
5. Zhuang, Yt., Wu, F., Chen, C. et al. Challenges and opportunities: from big data to knowledge in AI 2.0. *Frontiers Inf Technol Electronic Eng* 18, 3–14 (2017). <https://doi.org/10.1631/FITEE.1601883>
6. O'BRIEN, D. (2020). *Fine Meshwork: Philip Roth, Edna O'Brien, and Jewish-Irish Literature*. Syracuse University Press. <https://doi.org/10.2307/j.ctvz937xq>
7. Sadiki, L. (2020). Regionalism in Crisis: GCC Integration without Democracy. *The International Spectator*, 55(2), 17–33. <https://doi.org/10.1080/03932729.2020.1742506>
8. Neocleous, M. (2000). [Review of *Conversations with Anthony Giddens: Making Sense of Modernity*, by A. Giddens & C. Pierson]. *Contemporary Sociology*, 29(2), 433–433. <https://doi.org/10.2307/2654463>
9. Arthur WB. Increasing returns and the new world of business. *Harv Bus Rev*. 1996 Jul-Aug;74(4):100-9. PMID: 10158472.
10. Rizzo, A. (2017). Why Knowledge Megaprojects Will Fail to Transform Gulf Countries in Post-Carbon Economies: The Case of Qatar. *Journal of Urban Technology*, 24(3), 85–98. <https://doi.org/10.1080/10630732.2017.1311569>
11. Alqahtany, A. M. (2025). Smart Cities as a Pathway to Sustainable Urbanism in the Arab World: A Case Analysis of Saudi Cities. *Sustainability*, 17(4), 1525. <https://doi.org/10.3390/su17041525>
12. Salhab, H., Zoubi, M., Khrais, L. T., Estaitia, H., Harb, L., Al Huniti, A., & Morshed, A. (2025). AI-Driven Sustainable Marketing in Gulf Cooperation Council Retail: Advancing SDGs

- Through Smart Channels. *Administrative Sciences*, 15(1), 20. <https://doi.org/10.3390/admsci15010020>
13. AlKhalifa, H. K., & Farello, A. (2021). The soft power of Arab women's football: changing perceptions and building legitimacy through social media. *International Journal of Sport Policy and Politics*, 13(2), 241–257. <https://doi.org/10.1080/19406940.2020.1854327>
  14. AlDhaen, F. S. (2025). AI-Powered Transformation of Healthcare: Enhancing Patient Safety Through AI Interventions with the Mediating Role of Operational Efficiency and Moderating Role of Digital Competence—Insights from the Gulf Cooperation Council Region. *Healthcare*, 13(6), 614. <https://doi.org/10.3390/healthcare13060614>
  15. Abudaqqa, F. (2025). The Role of Artificial Intelligence in Enhancing IT Governance in Saudi Arabia: Opportunities, Challenges, and Future Directions. *European Scientific Journal, ESJ*, 44, 24. Retrieved from <https://eujournal.org/index.php/esj/article/view/19875>
  16. Oghenekevwe, O. K., & FARUK, A. (2025). The AI'S DAWN AND UNITY'S CALL: ECOWAS WEAVE AFRICA'S FUTURE. *Educator Development Journal*, 3(2). <https://doi.org/10.22373/edj.v3i2.7181>
  17. A systematic review of research on artificial intelligence in higher education: Practice, gaps, and future directions in the GCC. (2024). *Journal of University Teaching and Learning Practice*, 21(06). <https://doi.org/10.53761/pswgbw82>
  18. Sumra KB, Siddique H, Afzal S, Qazi A (2026), "Sustainable smart cities: promotion of circular economy in urban GCC regions". *Journal of Science and Technology Policy Management*, Vol. 17 No. 1 pp. 60–99, doi: <https://doi.org/10.1108/JSTPM-01-2024-0025>
  19. Hills, M. D. (2002). Kluckhohn and Strodtbeck's Values Orientation Theory. *Online Readings in Psychology and Culture*, 4(4). <https://doi.org/10.9707/2307-0919.1040>
  20. Cite as: Muhammed Golec, Emir Sahin Hatay, Sukhpal Singh Gill, et al. Artificial Intelligence (AI): Foundations, Trends and

Future Directions. TechRxiv. May 21, 2025. <https://doi.org/10.36227/techrxiv.174784492.26397951/v1>